

# طالقانی

مرد

مجاهد

و

سازش

ناپذیر



روز دوشنبه ۱۹ شهریورماه کشور ما شاهد بزرگوارترین مراسم تسبیح قرآن بود.  
مراسم تسبیح چهارده مجاهد بزرگ آل الله طالقانی.  
نام "آل الله طالقانی" برای همه مردم مملکت ما و برای مردم جهان به عنوان  
یک رهبر سرافراز و سترو اعلا نامی آشناست.  
در داخل کشور معروف نام آل الله طالقانی برده می شود چهره بزرگ مردمی را  
در خطرها محکم می کند که تمام عمرش را در مبارکارتدینان حق و عدالت درگوشه زندانها  
و در زندگاهها و سخت فشار و رجز گذراند اما همچگاه در برابر ستمگران تسلیم نشد.  
چهره مجاهدی را ندانی می کند که با وسعت نظر مخصوصی به همه فترتها  
می نگرست و حتی با حسد هدایت دور افتادگان، درهای خاندانش را بر روی همه آنها گشوده  
بود.

مرد قلم و شمشیر و مرد سخن و عمل  
گوینده های توانا و نویسنده های بر ذوق  
سیاستمدازی دورنگر و مجاهدی خستگی ناپذیر

مردی فولادین و در عین حال مهربان  
کوبنده و فاطع اما بلند نگر و بوساحت  
مرد جنگ و صلح  
مرد بحراب و میدان نبرد

تمام عمر خود را در سنگ مارزه با شهادت کم نظیری طی کرد.  
صمیمت از صفاتش بی نظیر بود و صلابت و استحکام در مطمن جلوه گر بود. بار  
مظلومان و دشمن ظالمان چونانکه حد بزرگواری علی (ع) فرموده بود.  
او هیچگاه در مسیر مارزه بی گوش بر ضد طاغوت تعمیر چهره نداد. هرگز در  
برابر او زانو نبرد، و کمترین تزلزل، دودلی، و سوسان در اعمال و رفتار و گفتارش در این  
سارزه عظیم به چشم نمی خورد.

او در جهادش بنام معنی مخلص بود و اخلاص از همسنگی بی قید و تزلزلش  
نسبت به رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی بخوبی نمایان بود و هنگامی که احساس کرد  
بارهای از عناصر ضد انقلابی بی خواهد از نفوذ و قدرت او سوء استفاده کنند با صراحت  
و قاطعیت آنها را برای همیشه نابود ساخت و اصالت مارزه اسلامی خود را بار دیگر به  
نیوت رساند.

هر چند صحابای اخلاقی، صفات برجسته، انسانی و خدمات اسلامی و انقلابی این  
مجاهد بزرگ فراوان بود ولی می توان روی چند قسمت آن برای نمونه انگشت گذارد.  
۱- او بیوند خاصی با قرآن داشت معلم قرآن بود، مفسر قرآن بود، قرآن را در  
زندگی و زندگی را در قرآن جستجو می کرد، و در طی جلسات پرمحتوای خود پیرامون تفسیر  
قرآن گرم، از دیرزمان می داشت که حقایق فراموش شده، این کتاب بزرگ آسمانی را  
بصفت مابادآوری کند و قلم را بر آرزای برداشت و ثابت کند که هر آیه ای از قرآن  
درس ناره ای ارزندگی است، و ثابت کند قرآن کتاب عمل، کتاب جهاد و کتاب حیات است  
و نه فقط برای خواندن.

۲- او بارها بطه زندگی که هم با اسلام و هم با سلسله جوانان داشت گوشه حلقه  
انسانی میان این دو پدید آمد و جوانان رسیده از اسلام را که به خاطر تعلقات تخریبی نظام  
طاغوتی در برابر قرآن صف بسته بودند با عوش اسلام بازگرداند و به آنها ثابت کند  
"تنها راه رهایی از جنگال نظامهای طاغوتی بازگشت به اسلام و گرد آمدن زیر پرچم  
مقدس توحید است، و سرانجام قرآن راه حق بی رورگت است.

همین جهت مسجدش - جمواره - اکنون جوانان آگاه و انقلابی بود و محضر  
درس قرآنی مجمع شرعی حاصل کرده و سده حسان الهی.  
و آن روز که در خمین در این مسجد راستند یک کانون بزرگ "هدایت" خاموش گشت.  
چرا و در انقلاب عظیم ایران یک رکن اساسی بود، او هم فرزند انقلاب و هم  
بدر انقلاب بود، او همواره بیشتر بر رهبر انقلاب گام برمی داشت و ابودر وار در برابر  
جباران و خودکامان و مستکبران، حق را، با صراحت می گفت هر چند به رندان و تعبد -  
گاشته روانه کند و او را تا آسمان، برگ پیش برد.

او با خون دل خود سهال انقلاب را آساری کرد و جوانی و سلامت و هر چه  
داشت در این راه داد.

او به هنگام حمله سه انقلاب بگردستان همچون باغبان دلسوری که اگر رنگدگر  
ببرجی دست به سوی شاخه درخت دست برورده اش دراز کند فریادش بلند می شود، در  
حلقه مبارک حسان فریاد زد، ما انقلابان را ارزان به دست نیاوردیم که به آسانی از  
دست دهیم ما خون هزاران شهید به پای این سهال ریخته ایم و تا آخرین نفس و آخرین  
قطره خون از آن حمایت خواهیم کرد.

و درست به همین دلیل ناره ها سفارش کرده بود که مزار پاکش را در میان شهرهای  
شهیدان کلکون کن در بهشت زهرا جای دهد و سرانجام نیز چنین شد.  
او رفت و سرات بزرگش، سرات عمر پربرکتش یعنی سهال انقلاب را نما سیرد  
استواریم فرزندان خنثی باشیم که این میراث بزرگ را با ناداری گیم.  
ما مصیبت جانسور فرافش را به همه آزادخواهان و مسلمانان جهان به خصوص  
حایمه، روحانیت و مراجع عظام خاصه رهبر بزرگ انقلاب تسلیم می گوئیم.